

بررسی روش‌ها و فن‌آوری‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

بهزاد سیفی^۱، سهراب مجدفر^۲

behzadseyfiii@yahoo.com

۱-دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی حضرت امام خمینی (ره)

۲- کارشناس ارشد معماری کشتی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)

چکیده

جنگ در دریا شرایط پیچیده‌ای دارد و این شرایط جدای از به‌کارگیری تکنیک‌ها، قوانین به روزی را خواستار می‌باشد. بسیاری از قواعد جنگ دریایی با قواعد سایر جنگ‌ها مشترک است اما قواعد جنگ دریایی بسیار پیچیده‌تر از سایر جنگ‌ها می‌باشد. ممنوعیت اصول حقوق بین‌الملل که در حقوق مخاصمات مسلحانه در قالب حقوق بشردوستانه تدوین شده است شامل دو اصل اساسی می‌باشد: ممنوعیت کاربرد سلاح‌ها و روش‌هایی است که آسیب غیرضروری و درد رنج بیهوده وارد می‌آورند و ممنوعیت کاربرد روش‌ها و ادوات نظامی که به‌طور مستقیم قادر به تفکیک اهداف و اموال غیرنظامی نیستند. محدود کردن ابزارها و روش‌های جنگی، به معنی تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به وسیله برپایی جنگ در جهت حمایت از افراد غیر رزمنده است. در جنگ دریایی از ابزار و شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود. حقوق بشردوستانه به محدود کردن آثار ناشی از جنگ می‌پردازد و به دلایل انسان دوستانه حق طرف‌های مخاصمه را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌کند. هدف از این مختصر بررسی روش‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده، و اثبات می‌نماید حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر روش‌ها و ابزارهای جنگ دریایی قابلیت اعمال دارد. روش تحقیقی نوشتار حاضر روش تحلیلی - توصیفی است و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: جنگ دریایی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، روش، فن‌آوری.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۰۴

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم و مطرح در روابط بین‌المللی، همواره مسأله جنگ بوده است. «جنگ گذرگاهی است که روابط نسبتاً آرام و هماهنگ را به درگیری خشونت‌آمیز متصل می‌کند» (۲۱) و به عنوان یکی از جلوه‌های بارز توسل به زور در قالب عمل قهر آمیز قلمداد می‌شود که آثار و عواقب آن نه تنها دامن‌گیر رزمندگان بلکه غیرنظامیان نیز می‌شود. از این رو، ابتدا توسل به جنگ محدود شد (میثاق جامعه ملل)، سپس با انعقاد میثاق بریان-گلوک (۱۹۲۸)، توسل به جنگ به‌طور کلی ممنوع اعلام شد، بعد از جنگ جهانی دوم، منشور ملل متحد توسل به زور را ممنوع دانست. نفرت و تنفر از خشونت، ویرانی جنگ‌های بین‌المللی، آن هم از نوع بی‌بدیل و افراطی در مقیاس جهانی، زمینه‌ساز تلاش برای ایجاد سازوکاری جهت غلبه بر هرج و مرج ناشی از حاکمیت نامحدود بود (۲۲). به موازات پیشرفت علوم و فنون، جنگ‌ها و مخاصمات نیز گسترده‌تر و مدرن‌تر گردیده است، به‌طوری که می‌توان ادعا نمود که برخی از پیشرفت‌های علمی و تکنیکی امروز علیه انسان و در جهت از بین بردن اوست؛ وجود سلاح‌های سبک و سنگین پیشرفته، آسان و سهل‌الوصول، سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی، لیزری و ... همگی در جهت نابودی انسان و نادیده انگاشتن کرامت ذاتی وی است و این خطر بالقوه همواره در کمین انسان‌هاست.

پیدایش حقوق بشردوستانه کلاسیک را باید از زمان تشکیل صلیب سرخ بین‌المللی دانست. کنوانسیون ژنو مصوب ۱۸۶۴، در خصوص بهبود وضعیت مجروحان نظامی در صحنه نبرد، حقوق بشردوستانه معاصر را پایه‌گذاری کرد. این کنوانسیون قوانین و عرف‌های جنگی قدیمی و ناقص و پراکنده‌ای را که از مجروحین و امدادگران آنها حمایت می‌کرد، تقویت کرده است. این قوانین و عرف‌های جنگی مشتعل بر بیش از پانصد هزار معاهده دو جانبه، قواعد رفتاری، میثاق‌ها و متون دیگر بوده است (۱۰). کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ را می‌توان ثمره تاریخ بشریت در دستیابی به حمایت از انسان و اموال وی و تلطیف آثار جنگ دانست. اندیشه تدوین حقوق بین‌الملل جنگ و درخواست برای انسانی کردن جنگ از طریق متعادل ساختن «ضرورت نظامی» و بکارگیری اصولی مانند «تمایز

و تناسب» اصل محدودیت و اصل حسن نیت، همگی مؤید این مطلب است (۲۸).

جنگ دریایی بخش مهمی از جنگ‌های معاصر به‌ویژه در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و حقوق جنگ دریایی از عرصه‌های حقوق بین‌الملل است که به لحاظ ماهیت قواعد و نوع منافع و مصالح مربوطه از اهمیت بسزایی برای جامعه جهانی برخوردار است. از این رو صدها کیلومتر مرز دریایی در جنوب و شمال جمهوری اسلامی ایران، و شرایط پیچیده و حساس کنونی ضرورت آشنایی با روش‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه را آشکار می‌سازد. اساساً شیوه‌ها و وسائل نبرد در جنگ دریایی متفاوت از شیوه و وسائل نبرد در جنگ زمینی نیست. با این حال، در جنگ دریایی از شیوه‌ها و وسائل خاصی استفاده می‌شود که از نظر حقوق بین‌الملل بعضاً مشروع و بعضاً نامشروع است. محدود کردن ابزارها و روش‌های جنگی، به معنی تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به وسیله برپایی جنگ در جهت حمایت از افراد غیر رزمنده است. این را می‌توان در مقدمه معاهده لاهه ۱۹۸۸ در مورد جنگ زمینی دید (۳۳). ابزارهای جنگی ممنوع، سلاح‌هایی هستند که باعث آسیب‌ها و درد و رنج بی‌پهوده می‌شوند، و نمی‌توانند به‌طور مناسب بین افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند و باعث آسیب‌های طولانی مدت و شدید به محیط زیست شوند (۳۳). ممنوعیت اصول حقوق بین‌الملل که در حقوق مخاصمات مسلحانه در قالب حقوق بشردوستانه تدوین شده است شامل دو اصل اساسی می‌باشد: ممنوعیت کاربرد سلاح‌هایی است که آسیب غیرضروری و درد رنج بی‌پهوده وارد می‌آورند و ممنوعیت کاربرد روش‌ها و ادوات نظامی که به‌طور مستقیم قادر به تفکیک اهداف و اموال غیرنظامی نیستند. در جنگ دریایی از ابزار و شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود. این شیوه‌ها و وسائل عبارتند از: بمباران دریایی، مین‌گذاری دریایی، موشک‌های دریایی، اژدهای دریایی، مناطق ممنوعه، محاصره دریایی و بالاخره استفاده از زیردریایی. نگارنده در این مختصر در پی آن است که به این سوال پاسخ دهد، آیا حقوق بشردوستانه بر روش‌های و ابزارهای جنگ دریایی قابلیت اعمال دارد؟. که در راستای پاسخ به سوال مذکور فرضیه حقوق بشردوستانه بر روش‌های و ابزارهای جنگ دریایی قابلیت اعمال دارد، مطرح شده

قواعد حقوق طبیعی است. صرف نظر از قواعد کلی که در مورد تمامی انواع جنگ‌ها قابل اعمال هستند، در زمینه‌ی حقوق جنگ زمینی، حقوق جنگ هوایی، حقوق جنگ دریایی و حقوق بی‌طرفی، قواعد ویژه‌ای اعمال می‌شود. اگر چه بسیاری از قواعد بشردوستانه، (برای مثال قواعد مربوط به رفتار با اسرای جنگی) در تمامی انواع جنگ مشترک هستند؛ اما جنگ دریایی از جهات دیگر تابع یک نظام حقوقی متفاوت است؛ محیطی که در آن جنگ دریایی روی می‌دهد با محیط جنگ زمینی متفاوت است؛ دامنه آن برای تأثیرگذاری بر حقوق دولت‌های بی‌طرف بسیار گسترده است (۲۰).

۲-۱. حقوق بین‌الملل حاکم بر جنگ دریایی

جنگ در دریا شرایط پیچیده‌ای دارد که هوشیاری و آگاهی از آن از شرایط اساسی بقاء در دریا محسوب می‌شود. امروزه شرایط نیروی دریایی و کشتیرانی بین‌المللی در یک روی فراتر از سایر جنگ‌ها را در بر می‌گیرد و این شرایط جدای از به‌کارگیری تکنیک‌ها، قوانین را نیز به‌روز خواستار می‌باشد. از سوی دیگر درست است که بسیار از قواعد جنگ دریایی با قواعد سایر جنگ‌ها مشترک است اما به‌طور کلی قواعد جنگ دریایی، بسیار پیچیده‌تر از سایر جنگ‌ها می‌باشند. جنگ دریایی، مخاصمه مسلحانه‌ای است که بوسیله زیردریایی‌ها و کشتی‌های جنگی هدایت و فرماندهی می‌شوند و توسط ناوهای نیروی دریایی صورت می‌پذیرد. مخاصمات حتی اگر از دریا به زمین هم انجام شود، جنگ دریایی است. مانند بمباران دریایی یک کشور توسط ناوهای جنگی دشمن (۱۷). لیکن حقوق جنگ دریایی، که روابط میان طرف‌های متخاصم با یکدیگر و با دولت‌های بی‌طرف را در دریا تنظیم می‌کند، تا حد زیادی در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قالب اسناد بین‌المللی جای گرفته است. اعلامیه‌ها و معاهداتی که پیکره اصلی حقوق جنگ دریایی را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به امضا رسیده‌اند. با وجود این حتی برخی اسناد قدیمی‌تر مثل اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس در مورد قاچاق جنگی هنوز از اهمیت زیادی برای جامعه بین‌المللی برخوردارند. بعد از کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه اقدامات پراکنده‌ای برای تنظیم قواعد و مقررات ناظر به جنگ دریایی صورت گرفت که اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در

است. از این‌رو این نوشتار در صدد است تا با بیان تحولات حقوق بشردوستانه بین‌المللی به بررسی استفاده از فن-آوری‌ها و روش‌های جنگ دریایی از منظر حقوق بشردوستانه پرداخته و اثبات نماید که قواعد حقوق بشردوستانه بر فن‌آوری‌ها و روش‌های جنگ دریایی قابلیت اعمال دارد.

روش تحقیقی نوشتار حاضر، روش تحلیلی - توصیفی است. منظور از این روش این است که ضمن بیان خصوصیات یک موقعیت در صدد است تا با جمع‌آوری داده‌ها و بیان بررسی وضع موجود به ارزیابی آن بپردازد. و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است، با رجوع به منابع از طریق کتب، اسناد، نشریات ادواری و اینترنت و فیش برداری به داده‌های تحقیق دست می‌یابیم.

۲. حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر جنگ دریایی

اصول بنیادین حقوق بشردوستانه به سبب ماهیت خود قواعدی هستند که توسط کلیه دولت‌ها حتی توسط دولت‌هایی که کنوانسیون متضمن آن قواعد را تنفیذ ننموده‌اند باید اعمال شود و طرفین مخاصمه ملزم به رعایت آن و حتی متضمن اجرای قواعد آن هستند. حقوق بشردوستانه در هیچ وضعیتی قابل تعلیق نیست؛ و مسئولیت نقض حقوق بشردوستانه علاوه بر کشورها، متوجه افراد نیز هست (۱۸). اساساً «حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد بین‌المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی تکالیف افراد و کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می‌کند» (۶)؛ و هدف حقوق بشردوستانه تخفیف درد و رنج انسان در زمان جنگ است (۱). حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعدی است که به محدود کردن آثار ناشی از جنگ می‌پردازد و به دلایل انسان دوستانه حق طرف مخاصمه را در انتخاب و استفاده از ابزارها و شیوه‌های جنگی محدود می‌کند، غیرنظامیان را حمایت کرده، به تأمین شأن و کرامت والای انسان پرداخته و نیز به تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی می‌پردازد (۲۶). «برخی از مهم‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه واجد خصیصه نقض ناپذیری مطلق‌اند» (۱۹). لیکن بررسی اسناد و قواعد در بر دارنده حقوق حمایتی بشردوستانه به خوبی نشان می‌دهد که روح حاکم بر کلیت قواعد بشردوستانه کاملاً برگرفته از اصول اخلاقی و

پروتکل اول در حمایت از مواضعی متضاد و متناقض مورد استناد قرار گرفته‌اند. بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول صرفاً اعمال مواد ۶۷-۴۸ پروتکل را در جنگ دریایی مستثنی می‌سازد. سایر مقررات پروتکل اول به ویژه مواد ۴۱-۳۵ قابل اعمال هستند. بخش اول پروتکل، ناظر بر جنگ دریایی است که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی واقع در خشکی، تأثیر بگذارند و علاوه بر این، در خصوص حملات از دریا علیه اهداف واقع در خشکی نیز قابل اعمال می‌باشد (۲۰). منع عرفی هدف حمله قرار دادن جمعیت یا افراد غیرنظامی، این منع نخستین بار در بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول تدوین گردید مشروط به اینکه احتمال برود که جمعیت یا اهداف غیرنظامی تحت تأثیر قرار گیرند قابل اعمال است (۲۰).

جنگ دریایی در اصل بر مسئله بی‌طرفی مبتنی شده است. در نتیجه، جنگ دریایی در محدوده‌های باز محل رفت و آمد کشتی‌های بی‌طرف جریان دارد. کشتی‌های دشمن محموله‌هایی از مبدأ کشورهای بی‌طرف و یا به مقصد آن کشورها و یا متعلق به آنها را حمل می‌کنند، جنگ نمی‌تواند در رابطه با سهمی که بی‌طرف‌ها در صادرات و واردات کالاهای دشمن دارند بی‌تفاوت بماند. و گستره قلمرو اجرای مخصصات مسلحانه در دریا، به معنای منطقه‌ای که در آن اقدامات جنگ دریایی می‌تواند اعمال گردد مشتمل است بر:

- سرزمین طرف‌های مخاصمه که برای نیروی دریایی متخاصم قابل دسترسی باشد،
- آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای سرزمینی طرف‌های مخاصمه،
- دریای آزاد شامل منطقه انحصاری _ اقتصادی، و
- قلمرو هوایی بالای مناطق فوق‌الذکر.

مناطق خارج از جبهه جنگ را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول آب‌های سرزمینی کشورهای بی‌طرف، اصلی که به موجب ماده ۲ عهدنامه سیزدهم لاهه مورخ ۱۹۰۷ در حقوق موضوعه معمول و مجری شده، این است که انجام هرگونه عمل خصمانه‌ای در آب‌های بی‌طرف ممنوع است. با این حال، اجرای این قاعده مشروط به رفتار خود کشور بی‌طرف است، زیرا متخاصمان تنها به بی‌طرفی احترام می‌گذارند که آن کشور، خود رعایت بی‌طرفی را بکند. یک سابقه مهم در این زمینه وجود دارد

مورد قاچاق جنگی و پروتکل ۱۹۳۶ لندن دربارهٔ زیردریایی‌ها حاصل آن اقدامات تلقی می‌گردند (۹).

بعد از جنگ جهانی دوم، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو برای بهبود وضع مجروحان، بیماران و غرق‌شدگان نیروهای مسلح در دریا، بخشی از جنبه‌های بشردوستانه حقوق جنگ دریایی را تحت پوشش قرار داد، اما قواعد جدیدی را در مورد جنگ دریایی به ارمغان نیاورد. از این رو حقوق جنگ دریایی تا مدت‌ها چه از جانب دولت‌ها و چه از طرف نویسندگان به فراموشی سپرده شد. این امر در حالی است که در جهان امروز بیش از هفتاد دولت از نیروی دریایی برخوردارند و بیم آن می‌رود که با وضع یک‌جانبه قوانین داخلی و یا صدور اعلامیه، در فقدان یا ابهام معیار ارزیابی و سنجش اعتبار این اسناد در سطح بین‌المللی، شاخص‌های ملی خود را بر جامعه بین‌المللی تحمیل کنند (۳۰). حقوق جنگ دریایی عمدتاً بر معاهدات و اعلامیه‌هایی مبتنی است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به امضا رسیده بود. در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ ویتنام، درگیری‌های هند و پاکستان و در جنگ ایران و عراق، حق بازرسی و تفتیش کشتی‌های بی‌طرف به اجرا گذاشته شد ولی واکنشی معتبر مبتنی بر تعارض این حق با منشور ملل متحد و ممنوعیت کاربرد زور در روابط بین‌المللی مشاهده نشد (۹). بسیاری از اصول حقوق بشردوستانه که در جنگ زمینی قابل کاربرد هستند، همچنین مربوط به عملیات دریایی نیز می‌باشند.

هنگامی که مذاکرات مربوط به پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در ژوئن ۱۹۷۷ پذیرفته شدند، بر اساس بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول، مقررات بخش اول (مواد ۶۷-۴۸) «بر هر گونه جنگ زمینی، هوایی یا دریایی که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی، افراد نظامی یا اهداف غیرنظامی واقع در خشکی (جنگ زمینی) تأثیر بگذارد، اعمال می‌گردد. این مقررات همچنین بر کلیه حملات از دریا یا از هوا علیه اهداف واقع در خشکی، اعمال می‌شود اما قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخصصات مسلحانه در دریا و هوا را تحت تأثیر منفی قرار نمی‌دهد. ناوهای جنگی و زیردریایی‌ها برای حمله از زمین علیه کشتی‌ها یا هواپیماها در دریا، در هنگام جنگ به کار برده می‌شوند» (۶). در خصوص قابلیت اعمال قواعد پروتکل الحاقی بر جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی در طول جنگ دریایی، این ماده و همچنین بند ۴ ماده ۴۹

می‌کنند. اما قبل از ورود به این بحث به بیان اصول کلی جنگ دریایی می‌پردازیم:

- حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب روش‌های جنگی، نامحدود است.
- نه جمعیت غیر نظامی و نه افراد غیرنظامی را نمی‌توان هدف حمله قرار داد.
- طرف‌های متخاصم باید همواره بین رزمندگان و غیر رزمندگان تفکیک و تمایز قائل شوند.
- حملات را صرفاً باید به اهداف نظامی محدود نمود.
- در برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری پیرامون اقدام به جنگ در دریا و یا در هوا، کلیه طرف‌های مخاصمه باید تضمین نمایند کلیه احتیاط‌های ممکن را براساس حقوق بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه به منظور احتراز از سلب حیات غیرنظامیان و صدمه به اهداف غیرنظامی، به عمل آورده‌اند.
- کشتی‌ها و هواپیماهایی که مثلاً با پایین کشیدن پرچم یا هر شیوه دیگر تسلیم شده‌اند، دیگر نباید مورد حمله قرار گیرند.
- بعد از هر مخاصمه، طرف‌های درگیر باید بدون تأخیر کلیه اقدامات و تدابیر ممکن را به منظور پی‌جویی و نجات کشتی‌شکستگان، مجروحان و بیماران و حمایت از درمان مناسب یا عدم معالجه صحیح و همچنین پی‌جویی از مردگان و حمایت از آنها در برابر غارت به عمل آورند.

اصل تفکیک: اصول بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی همین‌طور قواعد روش‌های خاص جنگ دریایی علیرغم قابلیت‌های محدود، تابع قواعد تفکیک اهداف هستند. از آنجا که اصل تفکیک ماهیت عرفی نیز دارد و از این رو در جنگ دریایی نیز معتبر است، در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول تدوین شده است. البته ماده ۴۸ پروتکل تنها در چارچوب محدودیت‌های ذکر شده، در جنگ دریایی قابل اعمال است. با این حال، قابلیت اعمال اصل تفکیک بر جنگ دریایی بر اساس حقوق عرفی، عاری از اختلاف است. از این رو، به‌کارگیری روش‌های جنگ دریایی که علیه یک هدف نظامی مشخص جهت‌گیری نشده یا قابل جهت‌گیری نباشد یا آثار آنها را نتوان به این

و آن تصمیم شورای غنائم فرانسه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۷ در قضیه تینوس^۱ است. دوم مناطق قراردادی، همچنین برخی از مناطق دریایی که موضوع عهدنامه‌های بین‌المللی است، از مخاصمه به دور می‌باشند و نظام بی‌طرفی آن‌ها از قبل تعیین شده است: کانال‌های سوئز و پاناما، تنگه مازالان، مجمع‌الجزایر آلاند(۱۷).

۲-۲. اجرای حقوق بشردوستانه در جنگ دریایی

قواعد حاکم بر جنگ دریایی، آن طور که در مورد قواعد قابل اعمال بر جنگ زمینی مشاهده می‌شود تا حدود زیادی مورد توجه قرار نگرفته است. چرا که احتمال کمی وجود دارد که قواعد پیچیده‌تر، واقعاً رعایت شوند. این موضوع در زمینه حقوق جنگ دریایی تعیین دارد؛ موضوعی که درباره آن نه تنها از سال ۱۹۰۷، هیچ معاهده‌ی جامعی وجود نداشته، بلکه قواعد عرفی پیچیده مربوط به آن در سطح وسیعی در جریان جنگ جهانی دوم، نقض گردید. حتی دادگاه نورنبرگ، در قضایای مربوط به دریاسالار «کارل دونیتز»^۲ و «اریک ریدر»^۳، نظریه‌های متمایز «نجات پس از غرق شدن یک کشتی» و «انتقال پرسنل قبل از غرق کردن در جایی که اسیر کردن ممکن نیست» را با یکدیگر خلط کرد(۱۴). صرف‌نظر از کنوانسیون دوم ژنو، که به مجروحان، بیماران، کشتی‌شکسته‌ها مرتبط می‌شود، هیچ یک از معاهدات منعقد شده پس از سال ۱۹۴۵ به صورت خاص به موضوع جنگ دریایی نپرداخته‌اند و برخی از مهم‌ترین مقررات پروتکل اول الحاقی، در مورد جنگ دریایی قابل اعمال نیستند مگر تا آنجا که بر جمعیت غیرنظامی مستقر در خشکی تأثیر داشته باشند یا علیه اهداف زمینی هدف‌گیری گردند. نتیجه آن که بیشتر قواعد جنگ دریایی هنوز قواعد بین‌الملل عرفی هستند. مؤسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه در قالب طرح «سان رمو»^۴ در سال ۱۹۹۴ به بررسی حقوق جنگ دریایی پرداخته که حاصل آن ارائه گزارشی درباره‌ی قواعد قابل اعمال در جنگ‌های دریایی معاصر است(۲۰). اکثریت قواعد مربوط به جنگ دریایی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی پیروی

۱. Tinos

۲. Karl Donitz

۳. Erik Ridr

۴. San Remo

اصول ضرورت نظامی و تناسب، در حقوق جنگ دریایی نیز جزء اصولی بنیادین و اساسی هستند. منطق رایج و مشهورترین دلیل در جهت حقوق جنگ، درخواست برای انسانی کردن جنگ از طریق متعادل ساختن «ضرورت نظامی» با «علاق و نگرانی‌های بشری» است. اصول بنیادین و رای این مقررات، «تمایز» و «تناسب» پیرامون محور ضرورت و نیاز به حفظ این تعادل دور می‌زند. اصل «تناسب» نیز متخصصین را به خودداری از ایراد خسارت غیرمتناسب به منظور برتری نظامی که باید حاصل و عاید گردد، ملزم می‌کند (۱۶). اصل ضرورت در فعالیت نظامی باید براساس دلایل نظامی توجیه شده باشد؛ فعالیت نظامی که فاقد ضرورت نظامی باشد ممنوع است. این بدان معناست که حمله به غیرنظامیان و کسانی که خارج از صحنه نبرد قرار دارند، ممنوع است زیرا با این کار هیچ مزیت نظامی به دست نمی‌آید. همچنین هر اقدامی که بر حسب ضرورت برای انهدام اموال دشمن به عمل می‌آید باید با قواعد مربوط به تمایز و تناسب مطابقت داشته باشد (۲۳). اصول ضرورت و تناسب از مهم‌ترین اصولی هستند که زیردریایی‌ها ملزم به رعایت آنها در تمام شرایط می‌باشند.

اصل محدودیت و منع درد و رنج بیهوده، در جنگ طرف‌های درگیر در به‌کارگیری ابزارها، سلاح‌ها، وسایل و شیوه‌های نبرد، محدودیت دارند (۷). سایر محدودیت‌ها روی وسایل و شیوه‌های جنگ زیردریایی احتمالاً از مجموع حقوق بشردوستانه پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو گرفته شده است که در راهنمای سان رمو نیز دیده می‌شود. به‌ویژه انتخاب وسایل و روش‌های جنگی نیز نامحدود نیستند، یک‌سری ممنوعیت‌ها برای به‌کارگیری سلاح‌ها و موشک‌ها وجود دارد و وسایل و روش‌های جنگی که موجب آسیب‌های بسیار زیاد و یا درد و رنج بیهوده می‌شوند یا آنهایی که موجب آسیب‌های شدید، طولانی مدت و گسترده به محیط زیست می‌شوند ممنوع‌اند (۳۷). معنای این اصل آن است که استفاده از سلاح‌هایی که آسیب‌های غیرضروری یا جراحات بیش از حد لزوم وارد نمایند، ممنوع است (۲۳). هدف جلوگیری از آسیب غیرضروری برای اولین بار در اعلامیه سن‌پترزبورگ ۱۸۶۸ طراحی شد که استفاده از پرتابه‌های انفجاری دارای وزن کمتر از ۴۰۰ گرم را غیرقانونی اعلام کرد. این قاعده اساسی در ماده ۲۲ منضمات هر دو کنوانسیون

اهداف محدود کرد، ممنوع است. البته این اصل حملات منتهی به خسارت تبعی و جنبی را که در پرتو اصل تناسب قابل تحمل است، منع نمی‌نماید (۲۰).

با توجه به اصول بنیادین مخاصمات مسلحانه دریایی و اصل کلی بشریت توجیه وجود مجموعه متفاوت برای نیروهای سطح و زیرآب تنها با اشاره به ملاحظات عملی دشوار است. در هر حال، حملات باید به اهداف نظامی محدود باشد. تنها اگر در یک هدف به‌وضوح ویژگی نظامی بودن آن مشخص شود، می‌تواند مورد حمله قرار بگیرد (۱۱). حقوق (تا حدی عرف) یا به‌طور خاص شرایط جنگی اجازه می‌دهد که تحت شرایط خاصی، کشتی‌های غیرنظامی به ناو جنگی تبدیل شوند؛ و این می‌تواند عاملی در عدم تشخیص، تفکیک بین کشتی‌های تجاری و ناوهای جنگی باشد. در جنگ جهانی دوم، بریتانیا تاکتیک استفاده از کشتی‌های فریبنده (کشتی‌های تجاری مسلح شده) را به‌کار برد و به کشتی‌های جنگی به عنوان کشتی‌های تجاری مجوز داد، به این امید که وقتی زیردریایی دشمن برای اعلام اختار به سطح آب می‌آید، با سلاح‌هایی که بر روی آن نصب شده بود به‌طور ناگهانی ظاهر شده و زیردریایی را غرق کنند، بدیهی است که این وضعیت فرماندهان زیردریایی را ترغیب نمی‌کرد که عملیاتشان را با حقوق مرتبط با اعلام اختار اولیه به کشتی‌های تجاری تطبیق بدهند، اسناد و مدارک خدمه کشتی را تفتیش و بازرسی کنند، و بعد تصمیم بگیرند که آیا می‌توانند آن کشتی را تخریب کنند. آنچه که واضح است نه حقوق دریاها، نه حقوق بشردوستانه از مصادره کشتی‌های غیرنظامی که وظایف نظامی را در یک شرایط اورژانسی انجام می‌دهند، جلوگیری نمی‌کنند. بدیهی است که این کشتی‌های غیرنظامی تبدیل به اهداف نظامی می‌شوند (۴۰). اما در صورت شک و تردید، فرض ویژگی غیرنظامی بودن هدف، حاکم است و حملات باید متوقف گردند. در اینجا بحث احتیاط در حمله مطرح می‌شود. از آنجا که تعهد به اتخاذ اقدامات احتیاطی مقتضی قبل از آغاز یا دستور به حمله، در ماده ۵۷ پروتکل اول تدوین شده است که متخصصین متعهد به محدود کردن حملات خود به اهداف نظامی و حتی‌الامکان مصون داشتن افراد و اهداف غیرنظامی هستند و متعهد به اتخاذ اقدامات احتیاطی مقتضی نیز می‌باشند. در غیر این صورت تعریف اهداف نظامی و اصل تفکیک، بی‌معنا خواهد بود (۲۰).

آنهایی هستند که در هر دو جنبه نظامی و اقتصادی نقش مؤثری در حمایت و تقویت آمادگی رزمی دشمنان، دارا می‌باشند» (۳۸). به نظر می‌رسد چنین اهدافی را باید در وضعیت‌های حقوقی مورد ارزیابی قرار داد که آیا ممکن است آنها برای انجام مأموریت ضروری فرض شوند؟ یک ارزیابی کامل از اهداف نظامی معین می‌نماید که تعریف اهداف نظامی در وضعیت‌های خاص بهترین پیشنهاد ممکن و معیار برای ترسیم خط بین حملات قانونی و غیرقانونی در دریا می‌باشد. انجام مأموریت یک مفهوم خیلی مهم به صلاحیت‌های قانونی صریح اعطا کرده است (۳۶). بنابراین، «پایگاه دریایی و نظامی، انبارها، فرودگاه‌ها، و لنگرگاه‌ها، خطوط ارتباطی و اهداف صنعتی که در تلاش‌های دشمن مشارکت دارند به تناسب مشارکت، اولویت حمله را تعیین می‌کنند» (۳۴). در نهایت در جنگ دریایی نیز مانند جنگ زمینی نیازمند به تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی می‌باشیم و در واقع مهم‌ترین تفکیک، تفکیک میان کشتی‌های تجاری و غیرتجاری است که روبه عملی بین‌المللی و به‌طور غیرمستقیم قرارداد هفتم لاهه آن را به رسمیت شناخته است.

کشتی‌های تجاری: مسئله مربوط به شرایطی است که کشتی‌های تجاری ممکن است واجد شرایط اهداف نظامی باشند و این به یکی از دو دلایل عملیاتی و سیستماتیک حائز اهمیت است. مسیر کشتی‌ها، نوع محموله‌ها و فعالیت‌های روی کشتی می‌تواند برای چنین شرایطی در محیطی خاص کفایت کند. کشتی‌های تجاری دشمن غالباً اهداف نظامی مشروع نیستند، قبل از جنگ جهانی اول حقوق مربوط به رفتار کشتی‌های تجاری را می‌توان به‌طور مختصر، خلاصه کرد. هر کشتی تجاری اگر تحت پوشش کشتی‌های جنگی دشمن به دریانوردی می‌پردازد، یا در فعالیت‌های جنگی علیه دشمن به کار گرفته شوند، از قبیل مین‌ریزی یا مین‌روبی یا قطع کابل‌های زیرآبی می‌توانست بدون اخطار مورد حمله قرار بگیرد. همچنین کشتی‌های تجاری دشمن می‌توانستند بیرون از آب‌های بی‌طرف به تصرف درآیند، و اگر آنها در مقابل بازدید، تفتیش یا تصرف مقاومت می‌کردند می‌توانستند مورد حمله قرار گیرند. کشتی‌های تجاری تصرف شده دشمن می‌توانستند به دلایل ضروری نظامی، تخریب شوند. به شرطی که مسافران، خدمه و اسناد مدارک کشتی در یک مکان امن جای داده شوند (۳۶).

۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه نیز تعیین شده و تأکید می‌نماید که «حق متخاصمین در توسل به وسایل آسیب زنده به دشمن نامحدود نیست». ماده ۲۳ قواعد لاهه نیز استفاده از سلاح‌ها و موادی را که موجب ورود آسیب غیرضروری می‌شوند ممنوع اعلام کرد. قاعده موسوم به محدودیت در قطعنامه شماره ۲۴۴۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۸ در رابطه با پذیرش حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. همچنین ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در پاراگراف دوم یادآور می‌شود که «استفاده از سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های جنگی که باعث ورود جراحت غیرضروری یا رنج زائد شود ممنوع است».

۲-۳. اهداف نظامی و اهداف مورد حمایت در جنگ دریایی

در جنگ دریایی اهداف نظامی صرفاً اهدافی که به تعبیر امروزی دارای جوهره‌ی نظامی تلقی می‌شوند، نیستند. مشارکت در اقدامی نظامی «مؤثر» تلقی می‌شود، که نه تنها رابطه مستقیمی بین عمل و هدف وجود داشته باشد بلکه پیامدهای غیرمستقیم نیز تا آنجا که به اقدامات نظامی منتهی می‌گردد کافی باشند. علاوه‌براین، تخریب کلی یا جزئی، تسخیر یا بی‌اثر سازی یک هدف باید یک منفعت نظامی قطعی در پی داشته باشد (۲۰). در پرتو بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول، تعریف اهداف نظامی مندرج در بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل، در مورد جنگ دریایی قابل اعمال نمی‌باشد. اما به‌رغم تفاوت‌هایی که بین جنگ دریایی و زمینی وجود دارد، توافق کلی بر این است که این تعریف در چارچوب جنگ دریایی براساس حقوق عرفی نیز معتبر است (۲۰). از این‌رو اهداف نظامی، رزمندگان و اهدافی هستند که به‌واسطه، ماهیتشان، محل استقرار، هدف یا کاربرد، سهمی مؤثر در آمادگی رزمی (عملیات) و پشتیبانی رزمی دشمن دارند، و تخریب کلی یا جزئی، تصرف یا خنثی‌سازی آنها، برای حمله‌کننده یک مزیت صریح نظامی است^۵. همچنین بر اساس سوابق جنگ دریایی، «اهداف نظامی شامل اهداف نظامی قابل مشاهده، ناوهای جنگی دشمن، کشتی‌های تدارکی دشمن، و کشتی‌های تجاری مسلح و یدک‌کش‌های جنگی دریایی می‌باشند، بعلاوه، در حمله زمینی، اهداف نظامی ساحلی،

^۵ - بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل اول ۱۹۷۷.

یا مأموریت‌های بشردوستانه و کشتی‌های بیمارستانی مؤثر را بر عهده می‌گیرند. از سوی دیگر «کشتی‌های مسافربری که فقط به حمل مسافران غیرنظامی می‌پردازند، کشتی‌هایی که انحصاراً برای واکنش در برابر آلودگی محیط زیست ساخته یا به کار گرفته شده باشند (ماده ۵۲ طرح سان رمو) و بر اساس معاهده دوم ۱۹۴۹ ژنو و به عنوان قاعده‌ای عرفی اشخاص کشتی‌شکسته در آب یا در قایق‌های نجات، هدف‌های نجات، هدف‌های مشروع تلقی نمی‌شوند» (۹)؛ و کارکنان مذهبی و پزشکی، تأسیسات و محموله‌های پزشکی و درمانی (ماده ۴۶ کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۷ کنوانسیون دوم، ماده ۳۳، بند ۲، شق ب کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۲۰ پروتکل الحاقی اول)؛ غیرنظامیان (بند ۳ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۵۱، بند پروتکل الحاقی اول)؛ محیط زیست طبیعی (ماده ۵۵، بند ۲، پروتکل الحاقی اول)؛ کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروهای خطرناک (ماده ۵۶، بند ۴ پروتکل اول الحاقی)؛ یا اموال فرهنگی ماده ۵۲، شق پروتکل الحاقی اول، ماده ۴، بند ۴، کنوانسیون اموال فرهنگی نیز بر اساس اعتقاد و توافق بین‌المللی، هدف مشروع تلقی نمی‌شوند (۳۶).

۳. روش‌های جنگ دریایی و حقوق بشردوستانه

در جنگ دریایی از شیوه‌ها و وسائل خاصی استفاده می‌شود که از نظر حقوق بین‌الملل بعضاً مشروع و بعضاً نامشروع است. در ۱۳ ژانویه ۱۹۶۹، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ۲۴۴۴ (XXIII) را برای ایجاد محدودیت‌هایی بر وسایل و روش‌های جنگ اتخاذ کرد. طبق ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، حق طرفین درگیر در مخاصمه برای انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست. این ماده در دو پاراگراف متوالی بیان می‌کند:

- به‌کارگیری سلاح‌ها، پرتاب شونده‌ها و وسائل و روش‌های جنگی که منجر به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد و رنج بی‌هوده می‌شوند، را ممنوع می‌کند.
- به‌کارگیری وسایل و روش‌های جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارات شدید، طولانی مدت بر محیط زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است. همان‌طور که گفته شد در جنگ دریایی از ابزار و شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود. این شیوه‌ها و وسائل عبارتند از: بمباران دریایی، مین‌گذاری دریایی،

پس از جنگ جهانی اول، عقیده‌ای که کشتی‌های تجاری بایستی غرق شوند به‌طور کلی غیرقابل پذیرفتن بود. واژه «کشتی تجاری» باید به‌طور مضیق تفسیر گردد و این امر به‌طور ضمنی ناوگان کمکی را مستثنی می‌نماید؛ اما در مورد کشتی‌های تجاری مسلح تردید بر جای می‌گذارد. طبق پروتکل ۱۹۳۶ لندن نیز، در صورت اجتماع شرایط خاص، کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌ها مجاز به غرق کشتی‌های تجاری دشمن یا بی‌طرف هستند. کشتی‌های تجاری دشمن، نیز می‌تواند مورد حمله قرار گیرند اگر مرتکب عملی غیر از آنچه در ذیل ذکر می‌گردد، شوند. در چنین مواردی باید حداکثر احتیاط به عمل آید. اگر کشتی تجاری دشمن هیچ‌کدام از اعمالی را که ذکر می‌شود، صریحاً مرتکب نشود، فرمانده مسئول باید ثابت کند که کشتی مورد نظر به‌طور مؤثر به اقدام نظامی مبادرت ورزیده و نابودی کشتی تنها واکنش ممکن بوده است (۲۰). امروزه توافق گسترده‌ای وجود دارد که اگر این کشتی‌ها مرتکب هر کدام از اعمال ذیل شوند به محض رویت مورد حمله قرار گیرند اگر آنها:

- در عملیات جنگی درگیر شوند (به‌طور مثال مین‌گذاری، خنثی‌سازی مین، و ...)
- داشتن سهم مؤثر در اقدام نظامی (به‌طور مثال حمل مواد نظامی، حمل گروه‌های نظامی یا تجدید قوای نظامی)؛
- ورود در سیستم اطلاعاتی دشمن یا کمک به آن، در صورت نیاز، کمک به تحقق یک نیت یا هدف سیاسی اولیه؛
- حرکت در ستون کشتی‌های نظامی یا هواپیمای نظامی دشمن؛
- سرپیچی از دستور توقف یا مقاومت جدی در برابر بازرسی، تفتیش یا ضبط کشتی؛
- مسلح بودن تا حدی که این تسلیحات بتواند به کشتی جنگی آسیب زند؛ یا
- مبادرت به هر فعالیت دیگری که آنها را در تعریف هدف نظامی قرار دهد (۲۰).

اهداف مورد حمایت: کشتی‌های متخاصم یا بی‌طرف تا وقتی که در مخاصمات شرکت نکنند از حمله در هر قسمتی از مخاصمات باشند مصون هستند. کشتی‌های ماهیگیری ساحلی، قایق‌های کوچک که در مناطق تجاری به‌کار گرفته می‌شوند، کشتی‌هایی که تصدی مذهب، علم

صورت می‌گیرد بلکه در مورد درگیری کشتی‌ها با یکدیگر نیز اعمال می‌شود(۹).

۳-۲. مین دریایی

مین‌های دریایی از جمله وسائل و ادواتی می‌باشند که حاوی مواد منفجره بسیار قوی و خطرناکی هستند و به شیوه‌های گوناگونی در زیر آب منفجر می‌شوند(۱۷). در میان ادوات نظامی سبک، مین به عنوان ادوات انفجاری تأخیری از اهمیت استراتژیکی - تاکتیکی خاصی برخوردار است. کاربرد این ادوات انفجاری در مخاصمات از لحاظ استراتژیک برای حفظ تأسیسات نظامی شهرها و یا ایجاد تأخیر در پیشروی نیروهای متخاصم و نیز ممانعت و یا ایجاد محدودیت در مانور نیروهای نظامی دشمن به کار برده می‌شود. اما، امروزه این سلاح نه تنها در قالب سنتی خود جهت ممانعت از پیشروی سریع دشمن به کار گرفته می‌شوند، بلکه جمعیت‌های غیرنظامی را نیز از طریق گسترش هراس و ترس کنترل می‌نمایند(۴). در جنگ انفصال توسط جنوبی‌ها و در جنگ اسپانیا و آمریکا و نیز در جنگ روسیه و ژاپن ثابت شد که مین‌ها برای کشورهای بی‌طرف نیز خطرناک می‌باشند و این امر باعث بروز اختلاف نظر میان علمای حقوق در مورد مشروعیت استفاده از آنها به عنوان وسیله نبرد گردید(۸). سابقه کاربرد مین به عنوان سلاح در نبردهای دریایی به قرن ۱۶ میلادی باز می‌گردد. در جنگ میان هلند و اسپانیا در ۱۵۸۵ میلادی، هلندی‌ها با قایق‌های کوچک حامل باروت کشتی‌های اسپانیایی را منفجر می‌ساختند اما مین در قالب تکامل یافته آن به عنوان ادوات انفجاری در اعماق آب، در جنگ‌های داخلی آمریکا (۵-۱۸۶۱) به کار گرفته شده است و از آن پس در مخاصمات دریایی از اهمیت نظامی برخوردار شد، به گونه‌ای که در عصر حاضر نیز در کلیه جنگ‌های دریایی از جنگ ژاپن ۱۹۰۵ گرفته تا جنگ اول خلیج فارس ۹۱-۱۹۹۰ استفاده شده است(۱۳). روشن است با توسعه و پیشرفت فن‌آوری، مین‌های دریایی مدرن مبدل به سلاح‌هایی چند کاربرد و چند منظوره شده‌اند. از این رو فن‌آوری، در ساختار مین‌های دریایی تغییرات گسترده‌ای داشته که آنها را می‌توان از ساده به پیچیده طبقه‌بندی نمود: با توجه به پیشرفت‌های رخ داده در این صنعت، مین‌های دریایی را می‌توان به‌طور کلی به دو نوع مختلف طبقه‌بندی نمود:

موشک‌های دریایی، اژدهای دریایی، مناطق ممنوعه، محاصره دریایی و بالاخره استفاده از زیردریایی، که در زیر به تشریح آنها می‌پردازیم.

۳-۱. بمباران دریایی

بمباران دریایی یا به عبارت بهتر، بمباران سواحل و بنادر یک کشور به وسیله نیروی دریایی دشمن متخاصم، موضوع قرارداد نهم لاهه مورخ ۱۹۰۷ می‌باشد. قرارداد مزبور به عنوان یک قاعده عام ممنوعیت بمباران بنادر، شهرها، روستاها و اماکن مسکونی و به‌طور کلی شهرهای بی‌دفاع را مقرر می‌دارد اما تنها در دو مورد این ممنوعیت مجرا نیست: الف: بمباران استحکامات و تأسیسات و ملزومات نظامی و کشتی‌های جنگی واقع در بنادر. و ب: بمباران در مواردی که مقامات محلی از تحویل آذوقه و تدارکات لازم جهت نیروی دریایی دشمن خودداری می‌کنند البته آن هم پس از یک اخطار رسمی و صریح. این عمل در صورتی مشروع است که امکان تهیه آذوقه و تدارکات در محل موجود باشد بعلاوه نیروی دریایی دشمن در صورت تحویل گرفتن آذوقه و تدارکات باید بهای آنها را نقداً پرداخت کند(۱۷).

بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول نیز اعلام می‌دارد که مقررات دربارهٔ حمایت عام از جمعیت غیرنظامی در مقابل آثار مخاصمات (مواد ۴۸ تا ۶۷) در مورد هر گونه جنگ زمینی، هوایی یا دریایی که بر جمعیت‌های غیرنظامی، افراد یا اهداف غیرنظامی روی زمین تأثیر گذارند اعمال می‌شود. این مقررات درباره تمام حملات از دریا یا هوا علیه اهداف روی زمین اعمال می‌گردند. از این رو بند ۳ ماده ۴۹، مواد ۴۸ تا ۶۷» پروتکل را در موارد زیر قابل اعمال می‌سازد:

الف: عملیات دریایی که هر چند محل انجام آنها زمین نیست و فقط در مناطق دریایی صورت می‌گیرد، لیکن ممکن است متوجه جمعیت غیرنظامی یا هدف‌های غیرنظامی روی زمین گردد. و ب: بمباران دریایی علیه هدف‌های روی زمین: از سوی دیگر بند ۴ ماده ۴۹ مقرر می‌دارد که مقررات بخش چهارم به دیگر قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مورد حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در دریا در مقابل آثار مخاصمات افزوده می‌شود و بر این اساس، روشن است که قواعد بخش چهارم نه فقط در مورد عملیاتی که از دریا علیه زمین

کشتی‌های تجاری را ممنوع اعلام کرده است. این ماده محدود دریاپی را که نیروهای متخاصم می‌توانند مین‌گذاری نمایند مشخص می‌سازد. اگر چه رویه دولت‌ها پیش از سال ۱۹۰۷ بیانگر مین‌گذاری در آب‌های داخلی و بنادر متخاصمین در زمان نبرد بوده است و در تفسیر بر طبق حسن نیت در قالب سیاق و معنای معمول عبارات از واژه مقابل روشن می‌باشد که این واژه شامل مسافتی از دریای آزاد نیز بر حسب اوضاع و احوال می‌شود. رویه دولت‌ها نیز بیانگر به‌کارگیری مین‌های دریایی به منظور انسداد دهانه رودخانه‌ها، بنادر و تنگه‌ها بوده است که خود بیانگر آن است که همواره مین به عنوان یک سلاح مطلوب در جلوگیری از رفت و آمد در تنگه‌ها محسوب می‌شود. وضعیت مین‌گذاری در تنگه‌های بین‌المللی در زمان مخاصمات مسلحانه کاملاً روشن نشده است؛ لذا عدم وضوح قواعد حاکم بر آن به عنوان خلاء این کنوانسیون محسوب می‌شود (۴). اصولاً استفاده از مین‌های دریایی مشروع است اما از آنجایی که ممکن است چنین مین‌هایی به کشورهای بی‌طرف در جنگ نیز لطمه وارد آورد لذا مقررات قراردادی در این زمینه وضع شده است که مهم‌ترین معاهده بین‌المللی حاکم بر وضعیت مین‌های دریایی قرار داد هشتم لاهه مورخ ۱۹۰۷ می‌باشد (۱۷). کنوانسیون هشتم ۱۹۰۷ لاهه بر اساس تمایز بین دو نوع مین زیردریایی، که در اثر برخورد منفجر می‌شود، پی ریزی شده است: که به‌کارگیری مین‌های ثابت قانونی است مگر اینکه بعد از پاره شدن طناب اتصال همچنان خطرناک بمانند. بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون هشتم لاهه مقرر می‌دارد که کار گذاشتن و استفاده از مین‌های شناور خودکار تماسی ممنوع است مگر آنکه به گونه‌ای تعبیه شده باشند که حداکثر یک ساعت پس از قطع کنترل از سوی طرف مین گذارنده منفجر و یا خنثی شوند. و همچنین استفاده از مین‌های شناور ممنوع است مگر اینکه طوری ساخته شده باشند که حداکثر یک ساعت پس از زمان از دست دادن کنترل آنها توسط متخاصمی که آنها را در آب قرار داده، قابلیت انفجار خود را از دست بدهند (۹).

بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون هشتم، بیانگر آن است که اصل بر قانونی بودن کاربرد مین‌های تماسی خودکار ثابت است مگر آنکه این مین به فوریت پس از قطع طناب اتصال لنگر مهارکننده آن خنثی نشده باشد. از سوی دیگر، ماده

۱- مین‌های تماسی: مین‌های تماسی به دو دسته مهار شده با لنگر و یا شناور تقسیم می‌شود. مین‌های لنگر شده^۶ یا ثابت (مهار شده به ته لنگر) در بستر دریا و توسط یک زنجیر در زیر سطح دریا شناور (معلق) می‌باشند. آنها معمولاً بر اثر تماس با یک کشتی منفجر می‌شوند. مین‌های فاقد لنگر (شناور یا سرگردان^۷) نیز می‌توانند در هر عمقی از آب استقرار یابند. هنگامی که ریخته می‌شوند، معمولاً دولت مین‌گذار هیچ کنترلی بر آنها به‌ویژه هنگامی که آنها با جریان یا شرایط آب و هوایی غالب حرکت می‌کنند، ندارد. بر این اساس، آنها بیشترین خطر را برای ورود خسارت به اهداف غیرمعیّن را به همراه دارند.

۲- مین‌های نفوذی^۸ یا حساس به امواج دریایی، از طریق اثر هدف بر برخی شرایط فیزیکی در مجاورت مین یا بر اثر تشعشعات ناشی شده از مین فعال می‌شوند. اولین مین نفوذی در جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت، و اخیراً، روش‌های به‌کارگیری دیگری، از قبیل استفاده از فشار مغناطیسی، صوتی، الکتریکی در آب (فشار الکتریکی زیرآبی) گسترش یافته است. از جمله مین‌های نفوذی می‌توان به: مین‌های کف‌نشین^۹، مین‌های کنترل از راه دور^{۱۰}، مین‌های متحرک پرتاب شده از زیردریایی^{۱۱}، مین‌های راکتی یا صعودی^{۱۲}، اشاره نمود. البته در تقسیم‌بندی دیگر، مین‌های دریایی برخی اوقات به مین‌های مسلح یا مین‌های کنترلی طبقه‌بندی می‌شوند، مین‌های کنترل شده دارای فن‌آوری پیشرفته هستند که می‌توان آنها را از طریق سیگنال‌های صوتی کدشده فعال و غیرفعال کرد، و «تا به‌واسطه یک دستور مسلح نشوند، فعال نمی‌شوند و قابلیت تخریب‌گری ندارند». و مین‌های مسلح آنهایی هستند که با توپی در کف اقیانوس مستقر یا در سطح آب شناور می‌باشند که منتظر برخورد با یک کشتی و انفجار می‌باشند (۱۲).

حقوق بین‌الملل مناطقی را که در مخاصمات دریایی، نیروهای متخاصم می‌توانند مین‌گذاری کنند را مشخص نموده است، ماده ۲ کنوانسیون هشتم لاهه مین‌گذاری در مقابل بنادر و سواحل دشمن به منظور انسداد مسیر

6. Moored mines

7. Drifting or floating mines

8. Influence mines

9. Bottom mines

10. Remotely controlled mines

11. Submarine launched mobile mines

12. Rising or rocket mines

۱۹۶۷، در مخاصمه فالکلند-مالویناس و در جنگ‌های خلیج فارس مورد استفاده قرار گرفتند. هیچ قاعده خاصی در مورد استفاده از موشک‌های کروز یا انواع دیگر آنها هنوز در حقوق جنگ دریایی پدیدار نشده است (۲۰). حقوق سنتی، قاعده‌ای خاص را در مورد آنها در بر ندارد؛ لذا هنگامی که متخاصمین از موشک‌های کروز یا سایر موشک‌ها استفاده می‌کنند، متعهد به تضمین این امر هستند که موشک‌ها تنها به سوی اهداف نظامی جهت‌گیری شوند. به‌طور کلی وضعیت تکنیکی موشک‌های جدید، متخاصمان را قادر می‌سازد تا با اصول بین‌المللی حقوق درگیری‌های مسلحانه دریایی به ویژه اصل تفکیک خود را تطبیق دهند. اما هنوز مسائلی در مورد تشخیص و هدف‌گیری وجود دارد. اگر استفاده از موشک‌ها و پرتاب شونده‌ها منوط به هدف‌گیری با دامنه وسیع باشد، متخاصمین متعهد به اتخاذ اقدامات احتیاطی برای تضمین این هستند که هر چیزی غیر از اهداف نظامی، مصون بماند. البته در صورت عدم امکان رعایت این امر، مشروعیت استفاده از موشک‌ها را نمی‌توان محل تردید قرار داد. موشک‌های مدرن به قدرت تفکیک و انهدام هوشمند بسیار قوی مجهز هستند و معمولاً اهداف خود را گم نمی‌کنند. بنابراین در پرتو اصول بنیادین مخاصمات مسلحانه دریایی، تجهیز آنها با ابزارهای خود نابودگر یا امکانات شبیه آن ضروری نیست (۲۰).

امروزه «در جنگ‌های مدرن به علت فن‌آوری نظامی برتر دولت‌هایی مانند ایالات متحده آمریکا، اغلب عملیات‌ها از فاصله‌های بسیار دور هدایت می‌شوند. حمله‌های هوایی و یورش‌های موشکی دریایی می‌توانند از هر کجا به مناطق مختلف دشمن صدمه بزنند و برای آنها اهداف نظامی در سراسر این مناطق پراکنده خواهد بود، تفکیک بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی در این شرایط، پیچیده اما از همه مهم‌تر است» (۳۴). از این رو بدون رعایت اصول عمومی حقوق بشردوستانه به‌ویژه اصل تفکیک، «جهان نمی‌تواند در زیر چتر موشک‌های بالستیک مجهز به کلاهک‌های اتمی به حیات خود ادامه دهد» (۴). «با توجه به اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی، موشک‌های دریایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آنهایی که در سطح رادار افقی به پرواز در می‌آیند، و آنهایی که خارج از سطح رادار پرواز، و به هدف اصابت می‌کنند.

۳ قرارداد هشتم لاهه طرفین متخاصم را ملزم به رعایت کلیه جوانب احتیاط به‌منظور حفظ امنیت دریانوردی برای کشورهای غیر متخاصم می‌نماید (اعلام مناطق خطرناک، تأسیس یک سرویس راهنمایی، مراقبت از مناطق مین‌گذاری شده، غیره) به پیروی از ماده ۵، قراردادهای متارکه جنگ همواره کشور مغلوب را به جمع‌آوری مین‌های خود ملزم می‌کنند (۸). اما عملیات مین‌روبی باید توسط دولتی به اجرا درآید که خود اقدام به مین‌گذاری نموده، و هم‌چنین می‌تواند توسط غیر متخاصمین انجام شود (۲۴). «ناگفته پیداست که مین‌ها فقط برای هدف‌های مشروع نظامی از جمله بستن راه‌های دریایی به روی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد و عملیات مین‌گذاری در آب‌های داخلی، دریای سرزمینی یا آب‌های مجمع‌الجزایر کشور متخاصم به هنگام شروع باید امکان خروج کشتی‌های بی‌طرف را فراهم آورد» (۹). از سوی دیگر کشورهای غیر متخاصم یا بی‌طرف در جنگ می‌توانند سواحل خود را مین‌گذاری نمایند به شرط آنکه کشورهای دیگر را از مناطق مین‌گذاری شده آگاه سازند (۱۷). «از این رو قرار دادن مین‌های ثابت در منطقه‌ای معین و در چارچوب هدف‌های حمایتی با قواعد جنگ دریایی مغایر نیست و منطبق با دفاع مشروع تلقی می‌شود» (۹).

۳-۳. موشک دریایی

فن‌آوری به‌کار رفته برای اقدامات جنگ الکترونیکی و جنگ افزارهای هدایت شونده و اقدامات متقابل آنها به میزان زیادی همواره در حال پیشرفت است. در واقع با توجه به آنچه از جنگ‌های هوایی در خاورمیانه و عملیات دریایی در آتلانتیک جنوبی مشاهده شد می‌توان گفت که استفاده موفقیت‌آمیز از جنگ‌افزارهای هدایت شونده عامل تعیین‌کننده‌ای در جنگ‌های آینده خواهد بود. از آنجا که امروزه حیطة عمل نقاط پرتاب و هدف‌ها باید گسترده شوند تا حامل‌های از دور هدایت شونده یا سکوهاى مهار شده هواپرد، بالگردها، اژدرهای مخرب، زیردریایی و احتمالاً سفینه‌های هوایی را شامل می‌شوند (۲۵).

در استفاده از موشک‌ها در دریا از جمله موشک‌های کروز، اصول کلی حقوق جنگ دریایی اعمال می‌شود. درج یک ماده خاص در مورد موشک‌ها به این معناست که جنگ دریایی مدرن مورد توجه قرار گیرد. موشک‌های کوتاه برد به نحو موفقیت‌آمیزی در جنگ اعراب-اسرائیل در سال

ماده ۱ کنوانسیون مربوط به حقوق وظایف قدرت‌های بی‌طرف در جنگ دریایی). در هنگام استفاده از اژدرها اقدام باید مطابق با اصول جنگ دریایی و برای تضمین این باشد که تنها اهداف نظامی و نه سایر کشتی‌ها و اهداف، خسارت ببینند. به عبارتی دیگر اژدرهایی به کار گرفته شوند که از قابلیت عالی و هدایت عامل، حتی در آب‌های کم‌عمق برخوردار باشد و بتواند روی هدف‌های اصلی، هدایت شده و سایر هدف‌ها را نادیده بگیرد. این ماده از بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون هشتم لاهه نشأت گرفته و امروزه عموماً به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است. به‌طور کلی اژدرهایی که هم‌اکنون از سوی نیروهای مسلح دریایی استفاده می‌شوند، شرایط مندرج در جمله اول را دارند. مقررات جمله دوم با توجه به دقت اژدرهای جدید علیه کشتی‌های روی دریا یا زیر آن به کار گرفته می‌شود. اما اژدرهای هدایت شده، در مرحله اول هدف خود را مستقل از مرحله نهایی حرکتشان جستجو می‌کنند؛ لذا می‌توانند اهدافی غیر از آنچه را که در وهله اول در نظر داشتند، منفجر کنند. هدف و مقصود جمله دوم یادآوری این موضوع به فرماندهی دریایی است که وظیفه خود را برای تضمین اینکه تنها اهداف نظامی را مورد حمله قرار دهد، اعمال نماید (۲۰).

۳-۵. مناطق ممنوعه دریایی

منطقه ممنوعه دریایی، محدوده مجزایی از دریا و فضای بالای آن است که طرف درگیری، حقوق گسترده کنترل و ممنوعیت دسترسی کشتی‌ها و هواپیماها را در آن اجرا می‌کند و هدف آن تسهیل شناسایی اهداف نظامی و دفاع در برابر اعمال خصمانه است و نه حمله به اقتصاد جنگی طرف خصمه. میان مناطق ممنوعه ثابت و متغیر، تفاوت وجود دارد. منطقه ممنوعه ثابت متشکل از محدوده‌ای سه بعدی است که برای همکاری طراحی شده است یعنی منطقه جداگانه دریایی و فضای بالای آن. منطقه ممنوعه متغیر، از عرصه‌ای تشکیل می‌شود که ابعادی سه بعدی پیرامون واحدهای نیروی دریایی دارد لذا هنگامی واحدها جابجا شوند، موقعیت آن نیز تغییر می‌کند (۲۰). حقوق سنتی، ایجاد «مناطق ممنوعه» یا «مناطق جنگی» بزرگ و وسیع را که کلیه کشتی‌ها و هواپیماهای غیرمجاز را از دسترسی به آنها محروم می‌ساخت، مجاز نمی‌دانست. این حقیقت که متخصصین در دو جنگ جهانی چنین

موشک‌های هدایت شونده توسط سیستم رادار می‌توانند هدف مناسب را انتخاب و به آن برخورد کنند؛ در حالی که موشک‌های خارج از سطح رادار، معمولاً توسط منبع حرارتی هدایت می‌شوند و به صورت خودکار و مستقل عمل می‌کنند. این گونه موشک‌ها از دقت کافی برخوردار نیستند و کارکرد نادرست یا عملکرد ناکافی سیستم هدایت آنها به معنای عدم تشخیص مناسب هدف است و نمی‌توانند بین اهداف نظامی و غیرنظامی در دریا قائل به تفکیک شوند. این امر از رهگذر سانحه ناو جنگی استارک به علت اصابت دو موشک اگزوزه عراقی بدان در ۱۷ می ۱۹۸۷ به اثبات رسید. رویه حمله کور و بدون تبعیض به کشتیرانی بی‌طرف توسط قطعنامه‌های ۵۸۲، ۵۵۲ و ۵۹۸ شورای امنیت در جنگ تحمیلی محکوم شد چرا که «عراق بر خلاف ایران، برای شناسایی هدف‌ها قبل از حمله بدان‌ها تلاش کمی انجام می‌داد» (۹). در نظریه تفسیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، موشک‌های با برد بلند که دقیقاً نمی‌توان با آنها هدف‌گیری کرد «سلاح‌های کورکورانه» محسوب شده‌اند (۵)؛ و بر اساس ماده ۷۸ طرح پیشنهادی سان رمو، موشک‌ها و پرتاب شونده‌ها ... مطابق با اصل تمایز میان اهداف به کار گرفته خواهند شد. بر طبق قسمت ۲۰ بند «ب» ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به کار بردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب‌رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیر لازم می‌شوند یا آنکه ذاتاً مغایر با حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه هستند، جنایت جنگی قلمداد می‌شود (۵). از این رو در کاربرد موشک‌ها در جنگ دریایی اصل مصونیت هدف‌های غیرنظامی باید مورد توجه قرار گیرد.

۳-۴. اژدرهای دریایی

اژدر یک وسیله انفجاری خویش رانش می‌باشد که در آب حرکت می‌کند؛ و از جمله سلاح‌هایی که در جنگ دریایی به کار برده می‌شوند که هم از کشتی‌های جنگی و هم از زیردریایی‌ها شلیک می‌شوند. اژدرها نیز همانند موشک‌های دریایی ملزم به رعایت قواعد بشردوستانه و از جمله رعایت اصل تفکیک می‌باشد. اژدرها نوعی سلاح زیر آبی هستند که دارای نیروی محرکه بوده و کلاهک جنگی آن می‌تواند حاوی مواد منفجره شدید یا اتمی باشد (۲). در خصوص اژدرها و مقررات خاص حقوق بشردوستانه، اژدرهایی که اثر خود را از دست داده‌اند باید بی‌خطر شوند

تردیدهایی در مورد مشروعیت محاصره‌های دریایی ابراز گردید، اما موافقت با محاصره دریایی را به عنوان نوعی از عمل خصمانه مطابق با حقوق جنگ نشأت گرفته از اعلامیه ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ پاریس تأکید شده توسط اعلامیه ۲۶ فوریه ۱۹۰۹ لندن، مورد توجه قرار می‌دهد. هم‌چنان این دکتترین تقریباً به اتفاق آراء، پذیرفته شده می‌باشد (۲۸).

اساساً یک محاصره باید به‌طور بی‌طرفانه نسبت به کشتی‌ها و هواپیماهای همه ملت‌ها اعمال شود. منطقه مورد محاصره نباید مانع از دسترسی به بنادر یا سواحل دولت‌های بی‌طرف شود چرا که چنین امری نقض بی‌طرفی خواهد بود. و اگر نتیجه محاصره به قحطی کشانده شدن جمعیت غیرنظامی باشد. طبق مواد ۴۹ (بند ۳) و مواد ۵۴ (بند ۱) پروتکل الحاقی اول، محاصره غیرقانونی است (۲۰). براساس قواعد عرفی سنتی در محاصره دریایی که عمدتاً در اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس در مورد حقوق دریایی و در اعلامیه تصویب نشده ۱۹۰۹ لندن بیشتر اشاره شده تدوین گردید، کشتی‌های جنگی متخاصم حق داشتند مسیر به سوی ساحل دشمن یا بخشی از آن را به‌منظور ممانعت از ورود و خروج کشتی‌های کلیه ملل، مسدود سازند. هدف محاصره دقیقاً ایجاد اختلال در تجارت دشمن با بی‌طرفها بود تا از این طریق تلاش جنگی آن تضعیف گردد. محاصره دریایی نمی‌بایست فراتر از بنادر و سواحل دشمن گسترش می‌یافت، و باید «مؤثر و کارآمد» می‌بود، به این معنی که «با یک نیروی نظامی کافی به‌منظور جلوگیری از دسترسی به سواحل دشمن حفظ می‌شد» (۲۴).

در هر صورت، براساس حقوق محاصره دریایی، کشتی‌های نقض‌کننده محاصره را به‌طور مسلم نمی‌توان بدون هشدار مورد حمله قرار داد، بلکه تنها می‌توان آنها را توقیف و مصادره کرد و یا، در شرایط استثنایی بعد از توقیف و بعد از این که تمام افراد کشتی به مکان امنی انتقال داده شدند، می‌توان آن را نابود ساخت (۲۴). شایان ذکر است «سه شرط برای معتبر بودن محاصره وجود دارد: وجود حالت جنگی، مؤثر بودن و ابلاغ. با وجود این برخی نویسندگان با توجه به ماده ۵ اعلامیه لندن، تبعیض‌آمیز نبودن محاصره را به عنوان یکی از شرایط آن ذکر کرده‌اند» (۹). در بعضی مواقع حقوق سنتی محاصره دریایی، به خاطر تغییرات فن‌آوری در جنگ‌های نوین، از

مناطقی را به عنوان ابزار جنگ اقتصادی به‌کار گرفتند، تا آنجا که چنین رویه‌ای بر حسب اقدامات تلافی‌جویانه علیه اعمال غیرقانونی دشمن توجیه می‌گردید. به خودی خود برای ایجاد تغییر در حقوق موجود کافی نبود. دادگاه نورنبرگ رویه ایجاد مناطق ممنوعه را حداقل تا آنجا که دلالت بر جنگ نامحدود علیه کشتی‌های تجاری بی‌طرف داشت، محکوم کرد. پس از جنگ جهانی دوم، مناطق ممنوعه بار دیگر توسط بریتانیا و آرژانتین در جنگ فالکلند در ۱۹۸۲ به‌کار گرفته شد، اما برخی دولت‌های غیرمتخاصم نسبت به آن معترض بودند. از سوی دیگر، در جریان جنگ ایران و عراق، دولت‌های ثالث عمدتاً، ولی نه همیشه، نسبت به حملات به کشتیرانی بی‌طرف در خارج از مناطق جنگی اعلام شده اعتراض می‌نمودند (۲۴). در جنگ فالکلند، انگلستان به‌طور ارادی، مخاصمات را محدود به «مناطق ممنوعه‌ای» که طبق فرامین ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ (منطقه ۲۰۰ مایلی اطراف جزایر فالکلند) و ۷ مه ۱۹۸۲ (منطقه ۱۲ مایلی سواحل آرژانتین) ایجاد شده بود، کرد. به‌رغم محدودیت اول، رزم ناو آرژانتینی بلگراد^{۹۲}، در ۲ مه ۱۹۸۲ توسط زیردریایی هسته‌ای انگلستان به نام کنکورور^{۹۳}، در نزدیک جزیره اتا^{۱۵} خارج از منطقه غرق شد، بدون اینکه این واقعه، نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل به حساب آمده باشد.

۳-۶. محاصره دریایی

«محاصره یکی از قدیمی‌ترین روش‌های جنگ اقتصادی دریایی است و شرایط مشروعیت آن در اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس معین شده است» (۲۰). محاصره، ابزار مسدود کردن ساحل یا بندر دشمن است به نحوی که کشتی‌ها و هواپیماها از ورود و خروج ممنوع شوند. هدف محاصره مسدود ساختن راه ورود و اقلام و کالاها به ساحل دشمن است بدون آنکه چنان ساحلی مستقیماً فتح شده باشد. به قحطی کشانیدن جمعیت غیرنظامی به عنوان یک روش جنگی ممنوع است. (ماده ۴۹، بند ۳ در ارتباط با ماده ۵۴، بند اول پروتکل الحاقی اول) ممانعت از ورود محموله‌های امدادی برای جمعیت غیرنظامی ممنوع شده است (ماده ۷ پروتکل الحاقی اول). اگر چه متعاقب پذیرش پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹،

⁹². Belgerado

⁹³. Conqueror

¹⁵. Ota

غیرنظامی و عدم مجوز به عبور حمایت‌های دارویی و پزشکی باشد، ممنوع خواهد بود (۳۷). در جنگ جهانی اول برآورد شد که حدود ۸۰۰/۰۰۰ شهروند از گرسنگی در نتیجه محاصره دریایی آلمان مردند (۳۴). یکی از بدترین محاصره‌ها، مشهور به قرنطینه کوبا توسط ایالت متحده آمریکا بود که در سال ۱۹۶۲، رییس جمهور آمریکا تصمیم گرفت تا مانع ورود سلاح‌های تهاجمی به کوبا شود (۳۷).

۳-۷. جنگ زیردریایی و حقوق حاکم بر آن

فن‌آوری زیردریایی‌های نظامی از سری‌ترین اسرار هر کشوری محسوب می‌شود و در اختیار داشتن آن، پشتوانه محکمی برای دفاع ملی می‌باشد. پیدایش فن‌آوری زیردریایی به چند قرن قبل باز می‌گردد ولی فن‌آوری زیردریایی نظامی مربوط به چند دهه قبل از جنگ جهانی اول می‌شود که طی دو جنگ جهانی پیشرفت‌های چشمگیری نمود. زیردریایی همواره به عنوان یکی از مخوف‌ترین سلاح‌های جنگی که ردیابی و مقابله با آن بسیار دشوار است، مطرح بوده است. حتی با پیشرفت‌های علمی امروزی، هنوز بشر نتوانسته است به راحتی وسایل نقلیه زیرآبی را ردیابی کند و دریا به عنوان عامل بسیار مناسب برای اختفاء این وسیله جنگی مطرح بوده است (۲۷). آغاز توسعه قواعد مربوط به جنگ زیردریایی به سال ۱۸۹۹ باز می‌گردد. این توسعه به نحو قابل ملاحظه‌ای از تلاش‌های بریتانیا برای مشروعیت بخشی و قانونی کردن استفاده از زیردریایی به عنوان ابزار نظامی مشروع متأثر بود. تلاش‌های فوق با مقاومت سایر دولت‌ها به‌ویژه دولت فرانسه شکست خورد (۲۰). عدم موفقیت کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در تدوین مقررات حقوقی ناظر به استفاده از زیردریایی‌ها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی موجب شد تا در جنگ‌های جهانی طرفین به نحو گسترده و بدون هیچ‌گونه محدودیتی از زیردریایی‌های خود علیه ناوگان جنگی و تجاری دشمن و حتی کشتی‌های بی‌طرف استفاده نموده و خسارات جانی مالی قابل توجهی وارد آورند (۱۷). با پیشرفت فن‌آوری پس از جنگ جهانی زیردریایی‌های جدیدی در نیروی دریایی کشورهای مختلف پا به عرصه وجود گذاشته تا در جنگ‌های دریایی آینده نقش عمده و اساسی را ایفا کنند. از جمله زیردریایی‌هایی که با سوخت هسته‌ای حرکت می‌کنند و حامل انواع موشک‌های پیشرفته هستند. اما

قبیل تسلیحات جدید مانند هواپیماها و زیردریایی‌ها، به‌طور کلی منسوخ شمرده می‌شوند. در جریان هر دو جنگ جهانی، متخصصان به‌طور کلی قواعد سنتی را نادیده گرفتند. البته، تا آنجا که چنین رویه‌ای توسط متخصصان بر حسب اقدامات تلافی‌جویانه منطقی جلوه داده می‌شد، به‌نظر می‌رسد که قواعد سنتی هنوز مناسب هستند و بنابراین، حملات بدون هشدار عراق به کشتی‌های عازم جزیره خارک یا در حال ورود به منطقه ممنوعه دریایی را باید غیرقانونی دانست (۲۴).

یکی از آثار محاصره دریایی، ممنوعیت هر نوع ارتباط با منطقه محاصره شده است؛ در عین حال، حقوق بشردوستانه بین‌المللی تا حدی از اطلاق این امر کاسته است. بر اساس ماده ۵۴ پروتکل اول ۱۹۷۷ به قحطی و گرسنگی کشاندن غیرنظامیان به عنوان شیوه‌ای جنگی ممنوع شده است. تردیدی نیست که محاصره برای به گرسنگی کشاندن، عمل خصمانه دریایی است و می‌تواند مستقیماً بر جمعیت غیرنظامی کشور محاصره شده تأثیر گذارد. بر این اساس برخی بر این باورند که ممنوعیت به قحطی و گرسنگی کشاندن مردم غیرنظامی ورای جنبه قراردادی آن، ویژگی عرفی دارد (۹). در مجموع چنین به نظر می‌رسد که هرگاه علیرغم قاعده تحریم جنگ و منع توسل به‌زور جنگی میان کشورها به وقوع بپیوندد محاصره دریایی سواحل و بنادر دشمن می‌تواند یکی از شیوه‌های مخاصمه باشد که در آن صورت حداقل باید مراتب کتبا و رسماً به دشمن و نیز به کشورهای بی‌طرف اعلام شود. این اعلامیه متضمن زمان شروع محاصره محدوده جغرافیایی سواحل تحت محاصره و مهلت خروج کشتی‌های بی‌طرف از منطقه می‌باشد خاتمه محاصره دریایی اگر هم ارادی باشد صدور این اعلامیه را می‌طلبد. عدم رعایت و یا نقض مقررات مربوط به محاصره دریایی موجب ضبط و مصادره کشتی‌ها و محموله‌های آنها توسط کشور محاصره کننده است (۱۷). راهنمای سان‌رمو، لزوم اعلامیه‌های رسمی را پذیرفته است که شامل جزئیاتی از ارتباط، مدت، مکان و وسعت محاصره است و اجرای آن را از طریق ترکیبی از روش‌ها و وسایل جنگ دریایی اجازه داده است. محاصره بایستی تأثیر گذار باشد و به‌طور بی‌طرفانه علیه کشتی‌های همه دولت‌ها به کار برده شود؛ و تنها محدودیت‌های وارده بر استفاده از محاصره این است که، اگر هدف فقط به قحطی کشاندن جمعیت

کنند که زیردریایی‌ها ابزاری نامشروع برای جنگ دریایی هستند و هیچ یک از آنها جنگ زیردریایی را غیرممکن نشناختند (۳۵).

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه روزافزون تجهیزات دریایی و پیشرفت فن‌آوری در حوزه دریا، پس از جنگ‌های جهانی خود تأکیدی بر آن می‌باشد که روش‌های جنگ دریایی در مخاصمات آینده هم‌چون قبل، نقش اساسی را ایفا خواهند کرد. پر واضح است، رعایت قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه دریایی با توجه به شرایط جوی و محیطی از اهمیت ویژه‌ای نسبت به زمین برخوردار خواهد بود و از حساسیت بیشتری برخوردار است. در قلمرو جنگ دریایی از آنجایی که تمام دولت‌ها توانایی تسلط بر دریای آزاد را ندارند، لذا بازیگران در صحنه مخاصمات مسلحانه دریایی محدود هستند، زیرا مبنای تمام ملاحظات قانونی در دریا، اصل آزادی دریا و آزادی دریانوردی صلح‌آمیز می‌باشد. مخاصمات دریایی در بسیاری از بخش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است و در واقع هیچ‌کدام از معاهدات تا سال ۱۹۴۵ به‌طور خاص به موضوع نبرد دریایی نپرداخته‌اند. حتی پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو فقط در مواردی که آثار آن مخاصمه بر جمعیت‌های غیرنظامی، اهداف و یا اموال غیرنظامی روی زمین تأثیر گذار باشد، اعمال می‌شود.

مقررات حقوق موضوعه بین‌المللی در این زمینه پاسخ‌گوی توسعه روزافزون روش‌های جنگ دریایی نمی‌باشد. فقدان قواعد خاص در بیشتر موارد منجر به مسائل قابل ملاحظه‌ای خواهد شد. اما امروزه با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو به ویژه کنوانسیون دوم و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به ویژه پروتکل اول، با توجه به اینکه در برگرفته قواعد عرفی می‌باشند و با کنوانسیون‌های لاهه نیز هم‌پوشانی دارند، اکثریت کشورهای جهان نیز ملزم به رعایت آنها می‌باشند، تا حدودی نواقص قواعد گذشته آن هم به‌طور محدود، به‌ویژه در حمله به اهداف ساحلی جبران گردیده‌اند. اما این واقعیت را باید همواره در نظر داشت به قواعدی که هدفشان کنترل مخاصمات مسلحانه است به اندازه کافی عمل نمی‌شود. و همواره مشکلات جدید ایجاد می‌شوند و این خود مستلزم روش‌های جدید و بحث‌های جدید در

متأسفانه مقررات حقوق موضوعه بین‌المللی در این زمینه به هیچ‌وجه پاسخگوی مسائل جدید دنیای معاصر نیست (۱۷). امروزه نیز زیردریایی‌ها ممکن است با استفاده از تکنیک افزارهای هدایت شونده، موشک‌هایی را پرتاب کنند و یا تک‌های زیان باری را اجرا کنند.

زیردریایی‌ها قادر هستند مأموریت‌های متنوع گسترده‌ای را در هر دو زمان صلح و در زمان جنگ انجام دهند. و قواعد حقوق بین‌الملل حاکم در زمان جنگ بر عملیات آنها قابل اجرا می‌باشد. پروتکل ۱۹۳۶ لندن در این حوزه حائز اهمیت است. اگرچه نبایستی فراموش شود که زیردریایی به عنوان ابزاری مشروع و دور از نزاع، در طول قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ در جنگ دریایی بوده است. علاوه بر این با در نظر گرفتن این مطلب که مناطقی که به‌طور مشروع می‌توانستند در طول مخاصمه مسلحانه محل عملیات زیردریایی‌ها باشند دست خوش تعدیلات قابل توجهی بعد از پایان جنگ جهانی دوم شده‌اند، از سوی دیگر وقتی که زیردریایی‌ها در حملات علیه اهداف زمینی به‌کار گرفته شدند اهمیت موضوع بیش از پیش مطرح شد که آیا حوزه استفاده از زیردریایی‌ها به وسیله کنوانسیون نهم ۱۹۰۷ لاهه یا به وسیله پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ محدود شده است. زیردریایی‌ها به‌طور مشروع می‌توانند از روش‌ها و ابزارهای متنوعی استفاده کنند اما وظایف مربوط به ارائه کمک به آنهایی که در هنگام نبرد آسیب دیده‌اند، بایستی با توجه به حق آسیب‌پذیری زیردریایی‌های تفسیر شود (۳۵). ممنوعیت استفاده از زیردریایی یا ناوهای اژدر افکن، یا دیگر ابزارهایی که در تخریب طبیعت یکسانی دارند، در جنگ دریایی، از طرف آنهایی که تمایل داشتند برتری نیروی دریایی سطحی‌شان را نسبت به سایر کشورها حفظ کنند، پیگیری شد. خصوصاً بریتانیا برای از میان برداشتن زیردریایی‌ها تلاش زیادی کرد چرا که زیردریایی‌ها، به عنوان یک تهدید علیه نیرو دریایی‌اش مطرح شده بودند. از سوی دیگر در آینده تلاش‌هایی برای غیرقانونی تلقی نمودن زیردریایی‌ها - که تا حدودی به وسیله ایالات متحده حمایت شد - ادامه یافت اما در نهایت به شکست منجر شد. تنها ماده‌ای که باقی مانده بود ماده ۲۲ معاهده ۱۹۲۲ واشنگتن بود که نهایتاً جزء پروتکل ۱۹۳۶ لندن شد. هنگامی که پروتکل ۱۹۳۶ یک تأثیر قابل توجه بر روی حقوق جنگ زیردریایی گذاشت، هیچ یک از آنها نتوانستند دلایلی ارائه

- [۳] بیگزاده، ابراهیم، حقوق سازمانهای بین‌المللی، مجمع علمی مجد، تهران، ۱۳۸۹.
- [۴] تمدن پونه، بررسی کاربرد مین زمینی و دریایی در حقوق مخاصمات مسلحانه، پایان‌نامه حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
- [۵] حسینی اکبرنژاد، حوریه، جنگ علیه حقوق جنگ: ارزیابی نبرد ۲۲ روزه غزه از نگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و ششم، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
- [۶] حلیم زمهریر، ابوالفضل، بررسی نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در فاجعه غزه، گروه پژوهش بین‌المللی، ش ۳۹، تهران، ۱۳۸۸.
- [۷] دمچ، اسامه، اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای مسلح، پژوهش حقوق و سیاست، مجموعه مقالات همایش رسالت رسانه‌های گروهی در ایران دیدگاه و چالش‌های بشردوستانه، تهران، اسفند ۱۳۸۳.
- [۸] رسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه هنجنی، سید علی، چاپ اول، جلد اول، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، تهران، ۱۳۶۹.
- [۹] زمانی، سید قاسم، حقوق جنگ دریایی و تحولات جدید، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۷، تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- [۱۰] سیاه رستمی، هاجر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پاسخ به سوالات شما، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- [۱۱] سیفی بهزاد، جنگ زیردریایی از منظر موازین حقوق بشردوستانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال دهم، شماره ۴، تهران، بهار ۱۳۹۰.
- [۱۲] سیفی، بهزاد، شریفی طراز کوهی، روحانی، کارن، نصیری لاریمی، رضا، چالش‌های حقوق حاکم بر استفاده از مین در جنگ‌های دریایی در پرتو فناوری‌ها و روش‌های جدید، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۶.
- [۱۳] سیفی، بهزاد، شریفی طراز کوهی، روحانی، کارن، نصیری لاریمی، رضا، مشروعیت بکارگیری فن‌آوری مین‌های دریایی در زمان صلح، با تأکید بر آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاها، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۷.
- [۱۴] شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۹۰.
- [۱۵] شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها)، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۹۰.
- [۱۶] شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق جنگ، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۵.

مورد متناسب و کافی بودن قواعد موجود و به‌کارگیری آنها مطابق با واقعیت‌های جدید می‌باشد.

هدف حقوق بشردوستانه کاهش درد و رنج انسان و تأمین شأن و کرامت والای انسان در مخاصمات مسلحانه می‌باشد. در حقیقت به نظر می‌رسد که این هدف در میان درد و رنج جنگ‌های بی‌شمار محو شده است. به‌طور کلی نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه به دلیل ناکافی بودن قواعد آن نیست، بلکه به دلیل عدم تمایل به رعایت آنها، عدم وجود تسهیلات و اطمینان برای اجرای آنها در برخی از اوضاع و احوال است. لیکن با تمام این تفاسیر، به‌ویژه با تهیه راهنمای سان رمو به نظر می‌رسد که قواعد مربوط به جنگ دریایی، نیازمند به تدوین منسجم‌تری می‌باشد و باید در قالب معاهده‌ای الزام‌آور که در برگیرنده قواعد حقوق بشردوستانه باشد، تدوین شوند. اما تا تصویب معاهده‌ای الزام‌آور به نظر می‌رسد، بهترین راه حل تصدیق دوباره قواعد عرفی جنگ دریایی می‌باشد. امروزه نیز، ایجاد و حفظ صلح و تأمین امنیت جهانی، در چارچوب اجتماع جهانی دولت‌ها جستجو می‌شود که مبتنی بر همکاری و یکپارچگی میان دولت‌هاست. این مهم در چارچوب موازین و سازوکارهایی دنبال می‌شود که از مهم‌ترین و ضروری‌ترین وظایف انسان‌ها در آغاز هزاره جدید تلقی شده است (۱۵). از این رو حقوق بین‌الملل ناظر بر مخاصمات مسلحانه دریایی به‌کارگیری روش‌های جنگ دریایی را مشروع قلمداد می‌نماید و آنها را ملزم به رعایت قواعد بشردوستانه، حقوق بی‌طرفی و حقوق دریاها می‌نماید و محدودیت‌های مبتنی بر ملاحظات بشردوستانه؛ اصل ضرورت، اصل تناسب و تفکیک بر آنها قابل اعمال می‌باشد.

منابع

- [۱] امیر ارجمند، اردشیر، تروریسم و تحولات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست، مجموعه مقالات همایش رسالت رسانه‌های گروهی در ایران دیدگاه و چالش‌های بشردوستانه، تهران، اسفند ۱۳۸۳.
- [۲] آزاد، حسین، حسینی، سید جواد، داداش‌زاده، جواد، سلاح و تجهیزات زیرسطحی و مین، انتشارات دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر، بهار ۱۳۸۷.

- [۲۹] ممتاز، جمشید، شریفی طرازکوهی، حسین، حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، شماره ۳۲، تهران.
- [۳۰] نیکنام، احمد، جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، ماهنامه دادرسی، ش ۶۶، سال یازدهم، تهران، بهمن و اسفند ۱۳۸۶.
- [۳۱] ب: منابع لاتین:
- [32] Busuttil, James J., *Naval Weapon System and The Contemporary Law of War*, Oxford, Clardon Press, 1998.
- [33] Bennet, Chris, *Mine Warfare at sea*, African Security Review, vol. 7, no. 5, 1998.
- [34] Curtis F. J. Doebbler, *introduction to International Humanitarian Law*, published and distributed by CD publishing, Washigton, 2005.
- [35] Heintschel von Heinegg Wolff, *International Humanitarian Law facing new challenges Symposium in Honour OF Knut Ipsen*, Springer Verlage Berline Heidlberg, 2007.
- [36] Heinegg Von Wolff heintschel, *the International Legal Framwork of Submarine Operation*, Published in Law at War, O. Engdahl & p. Warange ed, 2008 .
- [37] Kalshoven, Frits, Delissen, Sterid J. M., And Tanja, Gerard J. *Humanitarian Law Of Armed Conflict Challenges Ahead*, Martinus Nijhoff Pulishers Dordrecht/ Bosston/ London, 1991.
- [38] Klein, Natalie, *Maritime Securty and The Law The Sea*, Oxford Univ Press, 2011.
- [39] Roach, J.Ashley, *Legal Aspect of Moder Submarine Warfare*, Max Planck Yearbook of united nations Law, Volume 6, 2002.
- [40] Ronzitti, N, *The law of Naval Warfare: A collection of Agreements And Documents With Commentaries*, Kluwer Academic Publisher, 1988.
- [41] van Baarda, Th. A., And D. E. M. Verwij, *Military Ethics The Dutch Approach A Practical Guide*, Konink Lijke, Brill N V, The Netherlands, 2006.
- [۱۷] ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بشردوستانه بین-المللی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۴.
- [۱۸] ضیایی بیگدلی، محمدرضا، نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، تهران، ۱۳۸۳.
- [۱۹] ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حسینی، سید علی، مسئولیت دولت افغانستان در نتیجه اقدامات نیروهای جهادی و طالبان، مجله حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵، زمستان تهران، ۱۳۸۷.
- [۲۰] فلک، دیتر، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، با اهتمام و ویرایش زمانی، سید قاسم، ساعد، نادر، مؤسسه شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.
- [۲۱] کسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی، کلانتریان، چاپ اول، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰.
- [۲۲] کسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، ترجمه، شریفی طرازکوهی، حسین، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- [۲۳] کنعانی، محمدرضا، سیاه‌رستمی، هاجر، حسین‌نژاد، کتابون، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، تهران، ۱۳۸۵.
- [۲۴] گاتری، آندره، روزبیتی، ناتالینو، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، ترجمه ملک محمدی نوری، حمیدرضا، و همکاران، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.
- [۲۵] گارلند، لی، موس، هالسی، سلاحهای هدایت شونده، ترجمه حسین، سلیقه دوست، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ۱۳۷۷.
- [۲۶] عباسی، محمد، حقوق بشردوستانه، فصلنامه امنیت پژوهشی، شماره ۲۹، سال نهم، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۳.
- [۲۷] مونسان، محمد، آشنایی با زیردریایی‌های نظامی، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۳.
- [۲۸] مروت، مجتبی، حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، ش ۱۸، تهران، ۱۳۸۵.